

بررسی مردم‌نگارانه تجربه زیسته زنان زائر

(مورد مطالعه: زنان زائر در زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع))

اکرم گروسی^۱

سعید طاووسی مسرور^۲

چکیده

زیارت یکی از مهمترین شیوه‌های هویت‌دهی شیعه در طول تاریخ اسلام است. این سنت، محل رجوع عامه مردم و از هر قشری قرار دارد. زنان زائر یکی از اقشار جامعه هستند که با داشتن ابعاد متفاوت سیستم بیولوژیک بدنی، روانی و آموزه‌های متمایز تربیتی و محیطی، می‌توانند تجربه زیسته مخصوص به خود را داشته باشند. این پژوهش به دنبال مطالعه مردم‌نگارانه زیارت زنان (به صورت موردی، زنان زائر زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع)) است. برای تحلیل یافته‌ها در این تجربه زیسته، از نظرات (پیتربرگر)، به عنوان یکی از مهمترین جامعه‌شناسان دین در عصر مدرنیته، بهره برده شده است. سکولاریسم، آگاهی‌های متنوع، افول و صعود دین‌داری و ... از جمله مفاهیم نظرات برگر هستند که مورد تاکید قرار گرفته است. داده‌های لازم به روش مردم‌نگاری و با ابزار مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه، بررسی اسنادی و ... جمع‌آوری شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تجربه زیسته زنان زائر مبتنی بر، ساخت جهانی مقدس، در زیارتگاه شکل می‌گیرد. در این تجربه، برای زندگی معنایی می‌شود و با هنجاردهی به جریانات روزمره، از آنومی دنیای متکثرشده مدرن رهایی می‌بخشد. حضور پررنگ عواطف و احساسات زنانه در کنار عقلانیت، تفاوت‌های بیولوژیک بدن، انگاره و تصویری که از جنسیت زن در جامعه وجود دارد، بر شیوه رفتار و کنش‌های زنان زائر در مراحل مختلف زیارت تاثیرگذار

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (a.garousi91@gmail.com)

^۲ - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران (saeed.tavoosi@atu.ac.ir)

است. همچنین لزوم پوشیدگی بیشتر و دوری از نمایش جذابیت‌های ظاهری درکنار تدام بخشی امید، دست-آویزی برای رسیدن به حوائج مادی و معنوی و ... را می‌توان ازجمله شاخصه‌های تجربه قدسی زنان در زیارتگاه دانست.

کلید واژه‌ها: مردم‌نگاری، تجربه زیسته، زنان زائر، زیارتگاه حضرت عبدالعظیم(ع)، امر قدسی، پیتربرگر

مقدمه

زیارت در اشکال مختلف، یکی از آیین‌ها و سنت‌های تاریخی است که تقریباً میان همه ادیان و اقوام داخلی و جوامع خارجی دیده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۱؛ رحمتی، ۱۳۹۳؛ سلطانی‌پور و اصغری، ۱۳۹۵ و ...). به نظر می‌رسد زیارتگاه، مسجد، معبد، کنیسه، کلیسا و هر مکانی که به عنوان فضایی مقدس برای پیروان یک آیین شناخته می‌شود، به عنوان منبعی خودبسند، قابلیت پمپاژ دوباره امور عرفانی و روحانی برای فرد و جامعه را داراست. همچنین در زیارت، تعاملی بین انسان‌ها برقرار است که به مثابه بستر ارتباطات بین فرهنگی صورت می‌پذیرد (مرتضوی‌امامی زواره و یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). این ویژگی‌های شاخص زیارت، عاملی در جهت پایداری و تداوم آن شده است. در این میان، اقشار مختلف جامعه در کنار ادراکات مشترک، می‌توانند تجربه‌های زیسته متفاوتی از امر زیارت نیز داشته باشند. یکی از اصلی‌ترین این قشرندی‌ها، جنسیت است. زنان با وجود داشتن تفاوت‌های بیولوژیک بدنی، روحی و همچنین انتظاراتی که فرهنگ یک جامعه به واسطه تربیت و تعاملات محیطی از ایشان ایجاد کرده، دارای زمینه‌ای متمایز در ادراک و انجام آیین‌های دینی هستند. با وجود مولفه‌هایی که بیان شد، آداب زیارت زنانه، در عین مشابهت با سایر زائران، می‌تواند براساس ویژگی‌های زنانه، دارای تمایزاتی باشد. مجموع این ویژگی‌ها در تجربه زیسته زنان زائر موثر واقع شده و آن را بازتعریف می‌کند. لذا برای فهم بهتر از چگونگی این بازتعریف، لازم است به مطالعه و بررسی چگونگی شکل‌گیری این تجربه زیسته قدسی پرداخته شود.

ما در اینجا تلاش داریم تا با شیوه کیفی و به روش مردم‌نگارانه که از رویکرد تفسیری برای تحلیل یافته‌ها سود می‌برد، به بررسی چگونگی شکل‌گیری تجربه قدسی زنان در زیارتگاه بپردازیم. لذا سعی شده با همراهی و همدلی کردن با زنان زائر، مشاهده و مشارکت در آداب و اعمالی که در مراحل زیارت از آنها دیده می‌شود و همچنین گفت‌وگوهای دوستانه و مصاحبه‌های باز با ایشان، توصیف و تحلیلی از شاخصه‌های حیات قدسی زیارت‌زنان داشته باشیم. برای این منظور، زیارتگاه حضرت عبدالعظیم(ع) را به عنوان میدان پژوهش خویش انتخاب کردیم.

جایگاه و شهرت شخص حضرت عبدالعظیم(ع) در بین اصحاب و نزدیکان امامان شیعه که باعث توجه ویژه و رجوع فراوان زائران به زیارتگاه ایشان شده است، موقعیت جغرافیایی زیارتگاه در مکانی شلوغ و پرازدحام، قرار گرفتن در جنوب شهر تهران و به تبع در فضایی که کمتر رنگ و بوی تجملات و زرق و برق ظواهر متمولانه بالای شهر را به خود گرفته و تا حدود زیادی اصالت قدیمی خود را حفظ کرده است، حضور زائرانی از اقشار و طبقات مختلف اجتماعی، سهولت دسترسی و رفت و آمد و... را می‌توان از جمله دلایل این انتخاب توسط محقق دانست.

پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با تجربه زیسته زیارت، هم برای رعایت اختصار و هم برای نزدیک بودن به فضای اجتماعی زمان حاضر، به بررسی آثار نیمه دوم دهه نود شمسی پرداخته‌ایم. پویافر (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان (پدیدارشناسی تجربه زیارت - مطالعه موردی در حرم امام رضا(ع))، از طریق مطالعه پدیدارشناختی به بررسی نمونه‌هایی از زائران امام رضا(ع) از منظر چگونگی تنوع تجربه دینی بر اساس چارچوب مفهومی از نظریات ویلیام جیمز، پرداخته است. وی در نهایت به تنوعی از تجربه‌های دینی در سه بعد (اندیشه‌ها، کنش‌ها و احساسات و عواطف) رسیده است. کاهیرده و دماوندی (۱۳۹۸)، در تحقیقی تحت عنوان (بررسی درون‌نگرانه از معنابخشی زنان زائر به مناسک زیارتی پیاده‌روی اربعین)، با مصاحبه‌های عمیق و به شکل کیفی، روایت‌های زائران را مورد تجزیه و تحلیل گفتمانی قرار داده‌اند. محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، با تأملی پدیدارشناختی در تجربه‌های افرادی که به قصد زیارت بارگاه امام‌زاده مهدی و امام‌زاده باقر به شهرستان هرسین در استان کرمانشاه

سفر می‌کنند کوشش کرده‌اند، تا چگونگی معناسازی و آثار عملی تجربه سفرهای زیارتی را تفسیر کنند. معاون، موحد و طبیعی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان (درک گردشگران مذهبی زن از کنش زیارت در بقاع متبرکه شهر شیراز، مطالعه مردم‌نگارانه)، با اتخاذ رویکرد کیفی به توصیف چگونگی زیارت زنان در گردشگری مذهبی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از این است که سفر زیارتی از مقوله‌های بستر اعتقادی، مناسک زیسته، میل به بندگی، احساس فضای قدسی، آرامش، تغییر و تحول تشکیل می‌شود. اکبری و فاضلی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان (تغییرات معناشناختی کنش زیارت از منظر انسان‌شناسی تفسیری: مطالعه موردی زائران امام‌رضا(ع))، وبه روش مردم‌نگاری، درصدد برآمدن تا تغییرات در کنشی سنتی همچون زیارت را در جامعه با تحولات مدرنیته مورد ارزیابی قرار دهند. سلیمانی‌دلفارد (۱۳۹۵)، در کتابی با عنوان (مردم‌شناسی زیارتگاهها)، به بررسی مردم‌شناسانه زیارتگاه‌های استان کرمان پرداخته است.

همانطور که مشاهده می‌شود، غالب پژوهش‌ها به کارکردهای زیارت و اهداف غائی از آن برای زائران پرداخته و کمتر چگونگی مکانیزم دریافت و ادراک تجربه قدسی زائر در زیارتگاه، صورت‌بندی شده است. پژوهش حاضر به دنبال مردم‌نگاری تجربه‌زیسته برای زائران زن می‌باشد. تجربه‌ای که در آن علاوه بر گونه‌های مختلف زائران زن، عوامل محیطی، جسمی و... که زنان در زیارت با آن مواجه هستند و بر دریافت‌های ایشان موثر واقع می‌شود را نیز مدنظر قرار داده است. از سویی دیگر چهارچوب مفهومی این تحقیق بر مبنای نظرات پیتر برگر جامعه‌شناس دینی که بر اثرات پدیده مدرنیته در شیوه دینداری افراد در عصر حاضر پرداخته، واقع شده است. این مفاهیم برای تبیین چگونگی تاثیرگذاری مولفه‌های این پدیده در تجربه زیسته قدسی زنان زائر به ما کمک خواهد کرد.

مبانی نظری

برای رسیدن به تجربه‌ای که از امر زیارت کسب می‌شود، لازم است مناسک زیارت را در الگوی پدیده‌های قدسی که معنا دهنده‌گی ژرف و نمایانی از دین مقدس به دنبال دارد، مورد ارزیابی قرار داد. لذا برای فهم بهتر یافته‌ها، از مفاهیم و نظرات پیتر برگر، جامعه‌شناس مطرح دین، یاری گرفته‌ایم. برگر

تلاش می‌کند نشان دهد چگونه دین فضایی از قدسیت را ایجاد می‌کند و چگونه با تقسیم و مقوله-سازی امور میان قدسی و غیرقدسی، به جهان کیهانی نظم می‌بخشد (برگر، ۱۳۹۷: ۶۲). این جامعه-شناس، در دوره اول زندگی علمی خود به این نظریه معتقد بود که فرایند مدرنیزاسیون به افول دین می‌انجامد و به عبارتی، هر جامعه به سمت حوزه‌های آگاهی مدرن پیش می‌رود، نمادهای دینی رنگ می‌بازد و دین کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهد. در ادامه و در نیمه دوم زندگی علمی و با دیدن نشانه و رخداد‌های صورت گرفته، نگرش برگر نیز تغییر می‌کند. در این دوران بود که برگر اثرگذاری مدرنیته بر دین را یک واقعیت غیر قابل چشم‌پوشی می‌دانست و در عین حال بر برداشت‌های غلط از آن تاکید داشت و بارها آن را یادآوری کرده بود. او در جایی می‌گوید، یک بار دیگر مرور کنیم، مدرنیزاسیون منجر به تکثیر می‌شود و تکثیر توانایی فرد برای انتخاب بین دو یا چند جهان‌بینی را افزایش می‌دهد. اشتباه نظریه سکولاریزاسیون در این پیش‌فرض بود که این انتخاب‌ها به احتمال زیاد سکولار خواهند بود، اما در حقیقت آنها به همان اندازه ممکن است دینی هم باشند (برگر و زایدروولد، ۱۳۹۳: ۴۸). به عقیده برگر، جوامع سنتی اغلب یکپارچه بودند و انسان سنتی در جهانی زندگی می‌کرد که عملاً یکدست بود. در عصر حاضر، انسان در جریان رفع نیازهای خویش، بیش از پیش باید درگیر مناسبات تو در تو دنیایی شود و ویژگی جوامع شهری و مدرن، سربرآوردن بیش از پیش تکثیر در دنیای پیش روی افراد است... (برگر، ۱۳۹۴: ۷۳؛ نیزیگاما، ۱۳۹۸). لذا افراد عملاً در بسیاری از مواقع به تناسب آگاهی‌های کسب شده، نوع نگرش و منش خویش را انتخاب می‌کنند. باورهای دینی نیز از این امر مستثنی نیستند. در ادامه، برای درک بهتر و به تناسب یافته‌ها و تحلیل شاخصه‌های بدست آمده از امر زیارت زنان، از برخی نظرات این جامعه‌شناس دین که بررسی و توصیفات متعدد و مبسوطی از موارد و رویدادهای مبتلابه زیست مادی و معنوی افراد در عصر مدرن داشته است، بهره برده ایم.

هویت زنانه و اثرگذاری آن در تجربه حیات قدسی زیارت

در تعریف جنس، به آن دسته از تفاوت‌های بیولوژیکی و آناتومیک که توجه می‌شود که زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد. در صورتی که جنسیت، انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است و

عمدتاً تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی و اعتقادی بین مردان و زنان را شامل می‌شود. در جامعه‌شناسی و در بین نظریه‌پردازان این عرصه، اینکه هر یک از ابعاد جنس یا جنسیت تا چه میزان بر هویت و نوع نقش‌پذیری این دو قشر اثر گذار بوده‌اند، تفاوت دیدگاه وجود دارد. برخی قائل به تاثیر مستقیم و محوری تفاوت‌های جنسی بر نوع نقش‌پذیری زنان و مردان در جامعه هستند (گرت، ۱۳۹۶: ۱۵). در نقطه مقابل، برخی نظریه‌پردازان اجتماعی، به خصوص جریانات فمینیستی، قائل به اثر گذاری ویژه جنس بر ساختار هویتی نیستند و هویت زنانه و مردانه را یا کاملاً و یا در حد زیادی همان بعد جنسیت می‌دانند که آن نیز متأثر از عوامل محیطی و اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که یکی از نتایج آن این می‌شود که تمایزات بین زنان و مردان تمایزاتی ساخته شده توسط جامعه‌اند، نه اینکه این تمایزات از ابتدا وجود داشته‌اند (هولمز، ۳۸۷: ۴۱۱). گروه سومی نیز هستند که قائل به تاثیرگذاری تمایزات بیولوژیک و بدنی یا همان تمایزات جنسی بر تفاوت‌های رفتاری هستند، ولی در عین حال تاثیرات جنسیت که خود بر ساخته جامعه است را نیز بر روی ساخت هویت زنانگی و مردانگی پر رنگ می‌دانند (همان: ۴۱۲-۴۱۵). نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت این است که از میان تمایزات گوناگون اجتماعی، هیچ یک همگانی‌تر از جنسیت نیست، به دیگر سخن، تمامی ملل دنیا، بین مردان و زنان تمایز می‌گذارند و در همه جا، رابطه‌ی جنسیت، رابطه‌ای است اساسی در ساخت شخص (اریکسن، ۲۰۰۶: ۶۲). لذا تفاوت درک از پدیده‌ها، با اذعان به تمایزهای قابل توجه در اندیشه زنانه، به عنوان (نمونه‌آرمانی)، تحت عنوان (تجربه زنانه)، سخن گفته می‌شود که اگر چه تظاهرات این تجربه بر روی طیفی از تفاوتها قرار می‌گیرد، اما دارای شباهت و انسجام‌های منطقی است که موجب می‌شود آن را ذیل عنوان کلی (تجربه زنانگی) گنجانند (جمشیدیها و حمیدی، ۱۳۸۶: ۵). این تجربه زیسته زنانگی در امور مختلف روزمره می‌تواند برای زنان شکل گرفته و ادراک شود. یکی از این امور، تجربه حیات دینی به تناسب انجام مناسک و آیین‌های اعتقادی است که پژوهش حاضر به بررسی تجربه زیسته زنانه در امر زیارت پرداخته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی بوده و به شیوه مردم‌نگاری صورت گرفته است. مردم‌نگاری یک استراتژی تحقیق است که به مردم‌نگاران اجازه می‌دهد تا فرهنگ و جوامعی که قسمت بنیادین تجربه‌ی بشری هستند را مورد بررسی و کاوش قرار دهد (مارچسیون، ۱۳۹۲: ۲۵). به عبارت دیگر، مردم‌نگاری، شیوه‌ای است برای مطالعه مردم در گروه‌های سازمان یافته و پایدار که معمولاً به منزله‌ی اجتماع یا جوامع شناخته می‌شود (انگروزیانو، ۱۳۹۶: ۲۰). مشاهده‌ها، گفت‌وگوها، برخوردها و تجربه‌ها، منابع کارساز رویکرد مردم‌نگاری هستند (هاروی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۹). در این پژوهش بعد از انتخاب زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع)، با ویژگی یک زیارتگاه محوری، پررغوع و با کاربری‌های متعدد به عنوان میدان تحقیق، در حدود یکسال و به صورت منقطع و در زمان‌های مختلف با حضور در زیارتگاه، مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه با زنان، ثبت تصویر و... صورت گرفت. در انتخاب زنان زائر برای مصاحبه مفصل و پرسیدن سوالات موردی از ایشان، سعی بر آن بود که تنوع سن، وضعیت پوشش و ظاهر، تحصیلات و... مدنظر قرار گیرد. در این میان با یازده زن زائر مصاحبه مفصل صورت گرفت و از تعدادی دیگر (حدود سی نفر)، سوالات موردی، به تناسب رفتار و کنشی سرزده از ایشان پرسیده شد. همچنین در دست‌یابی به داده‌های لازم جهت بررسی بیشتر، از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. محصول این پژوهش را می‌توان یک مردم‌نگاری دینی، بومی و تفسیری محسوب کرد. از منظر مردم‌نگاری دینی، میدان مورد بررسی، یک نهاد مذهبی است. از سویی دیگر، نگارنده به عنوان شخصی که خود باورمند و هم‌مذهب با زائران این زیارتگاه، از کودکی با آموزه‌های آیین زیارت همراه بوده و در همان قوم و شهری که این زیارتگاه در آن قرار دارد زندگی کرده است. لذا با شیوه رفتار و کنش زائران هم‌دلی دارد و به علت هم‌زبانی با زائران (که از منظر برگر، در تبیین و جهت‌دهی افکار و اعتقادات افراد جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و یکی از مولفه‌های اصلی تشکیل هویت، شخصیت و فرهنگ جوامع به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۸))، دانسته‌ها و درکی متقابل از گزاره‌های کلامی ایشان داشته است. این مولفه‌ها خبر از یک مردم‌نگاری بومی می‌دهد. همچنین پس از بیان شاخصه‌های مرتبط با داده‌ها، به پشتوانه مبانی نظری انتخاب شده، به تحلیل و تفسیری کوتاه از مکانیزم شکل‌گیری رفتار و کنش‌های صورت گرفته، پرداخته‌ایم.

یافته‌ها

آداب ورود و حضور زنان در زیارتگاه

تمامی دربهای ورودی به حیاط‌های زیارتگاه حضرت عبدالعظیم(ع)، به دو قسمت مجزای خانمها و آقایان تقسیم شده است. البته این امر، در بسیاری از اماکن مقدس شیعیان و خصوصا در ایران، به شکل یک روال و شیوه جاری برای ورود زائران به زیارتگاهها (خصوصا زیارتگاههای بزرگ و اصلی)، درآمده است. مدل گیت‌های ورودی برای زنان به گونه‌ای چیده و تنظیم شده که حداکثر پوشیدگی و پنهان بودن از دیدهای اغیار را داشته باشد. بر همین اساس در دربهای ورودی زنان، پرده‌هایی از فرش یا پارچه برزنت ضخیم آویزان شده، تا در بررسی بدنی و تذکرات احتمالی مسئولان ورودی به خانم‌ها راجع به آرایش و پوشش، فضای مناسب و پوشیده‌ای وجود داشته باشد.





درب های ورودی زنان زائر به زیارتگاه که از بیرون و داخل پوشیده شده‌اند. (تصاویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹ش)

پوشیدن چادر یک امر الزامی برای تمامی زنان زائر است. به همین منظور، تعدادی چادرهای رنگی که نشان حرم را بر روی خود دارند، در مقابل درب‌های ورودی زنانه قرار داده شده تا به زنانی که قصد ورود به زیارتگاه را داشته و چادر به همراه ندارند، امانت داده شود و آنها در محیط زیارتگاه آن را بر سر بیندازند. در درب‌های ورودی مخصوص زنان به حرم، علاوه بر آنکه از ورود زنان بدون چادر ممانعت می‌شود، از زنانی هم که آرایش نمایانی بر صورت دارند، خواسته می‌شود که آنها را پاک کنند. این آداب و الزامات در پوشش ظاهری زنان، فقط به ورودی‌های زیارتگاه محدود نمی‌شود و در تمام حریم زیارتگاه، زنان باید پوشیدگی با چادر و عدم داشتن آرایشی که در صورت مشخص باشد را رعایت کنند. نکته‌ای دیگر که در ورودی درب‌های زنان مشاهده می‌شود این است که زنانی که حجاب کمتری دارند، بعضاً سعی می‌کنند در هنگام ورود به زیارتگاه، بدن خود را بیشتر بیوشانند. روسری‌ها جلوتر آمده و موها پوشانده می‌شود. مانتوهای جلو باز را با دست بسته‌تر کرده و اگر آرایشی در صورت باشد، پاک می‌کنند. تقریباً بسیاری از زنان، مطلع هستند که برای ورود به حرم باید چادر داشته باشند. لذا اگرچه در بیرون زیارتگاه چادر نداشته باشند، برای مراجعه به زیارتگاه چادری را به همراه خود می‌آورند و در مقابل درب ورودی، آن را به سر می‌اندازند.



زن زائری که به هنگام ورود به زیارتگاه، چادری که به همراه آورده، به سر می‌کند. (تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹ش)

تحلیلی ژرف از تجربه حیات دینی با رعایت پوشیدگی بیشتر بدن زنان در فضای قدسی زیارتگاه

یکی از احکام اسلام برای زنان، واجب بودن پوشاندن موهای سر و تمامی بدن، بدون نمایان شدن برجستگی های بدن در زنان است. تقریباً در هر جایی از دنیا، داشتن پوشش سر و حجاب بدن (در مدل های مختلف)، نشانه ای از مسلمان بودن آن زن تلقی می شود. البته از سوی دیگر این امر حتمی نیست. یعنی زنی که خود را مسلمان می داند، ممکن است لزوماً این پوشیدگی سر و بدن را رعایت نکرده و یا یک نوع حجاب و پوشش را در همه جا انتخاب نکند، چرا که قائل به کافی بودن میزان حجاب و پوشش خود در مکان های مختلف است. جالب آنکه، در طی مصاحبه و مشاهده از زنان زائری که دارای نگرش های متفاوت به حجاب هستند، نکته ای مشترک در سخنان اغلب آنان شنیده و دیده می شد که طی آن پوشش کامل بدن، چادر به سر کردن و نداشتن آرایش بر صورت را در فضای زیارتگاه، امری لازم و مناسب می دانستند.

سمیه، متاهل، ۲۵ ساله: (به نظر من باید در زیارتگاه چادر سر کرد، بالاخره اینجا زیارتگاه، باید توش یه چیزایی بیشتر رعایت بشه، من که بعضی جاها چادر سر میکنم و بعضی جاها نه، ولی برای زیارتگاه اومدن میگم باید چادر داشت...).

محترم، ۶۵ ساله، با تحصیلات ابتدایی و خانه‌دار: (حجاب باید تو اینجا رعایت بشه. یعنی همون چادر دیگه. اینجا حرمت داره. احترام داره. نباید گناه کرد توش...).

پاسخی نسبتاً مشابه از افراد دیگر نیز شنیده می‌شود. افرادی که مشخص بود، چادر و حجابی که در زیارتگاه دارند، همیشگی نیست و عادت به سر کردن آن را نداشته و یا حتی خوب بلد نیستند که آن را در سر نگه داشته و این نوع پوشش، برای حضور در این مکان است. انگار افراد با عبور از درب‌های زیارتگاه وارد جهانی دیگر با مکانیزم‌ها و ساختارهای هنجاری مجزا می‌شوند. این امر را در خلال شناخت‌های متفاوتی که در طی فرآیندهایی، از مجموعه‌های مختلف تولید آگاهی برای انسانها شکل می‌گیرد بهتر می‌توان فهمید. حوزه‌های مختلف که انسان از ابتدای مواجهه با مجموعه‌ها و نهادهای متعدد اجتماعی، در حال دریافت‌های متفاوت آگاهی از آنها است. به طور مثال، فرد از خانواده و بازخورد الگوهای رفتاری و کنشی شکل گرفته از آن، نوعی از هنجارها را دریافت و ضبط می‌کند و در عین حال با ورود به محیط آموزشی و شبکه دوستان، نوعی دیگر. و در ادامه و در مواجهه با دنیای اجتماعی بزرگتر که می‌تواند، رویه‌های فرهنگی و قوانین حاکم بر شهر و کشوری که در آن زندگی می‌کند باشد، حوزه‌های شکل‌گیری آگاهی نیز گسترده‌تر می‌شود. با اینکه آگاهی، پدیده‌ای مربوط به تجربه ذهنی است، اما به دلیل آنکه در عناصر به طور اجتماعی معنادار، خود دائماً با دیگران شریک می‌شود، می‌توان آن را به طور عینی توصیف کرد (برگروه‌مکاران، ۱۳۹۴: ۳۸). همچنین فرد برای معنا بخشی به زندگی، به طور کلی به تعاریف فراگیر واقعیت نیاز دارد. این تعاریف جامع برای حفظ یکپارچگی جامعه و برای تداوم هر موقعیت اجتماعی خاص ضروری‌اند. آنها با هم جهان نمادین فرد یا جامعه را می‌سازند (همان: ۴۰). با این توضیحات، رسیدن به منطق چرایی پررنگ شدن تبعیت از آداب دینی شخصی و جمعی در فضاهاى قدسی هموارتر می‌شود. بر همین اساس، فرد با ورود به زیارتگاه، نه تنها وارد فضای جغرافیای مجزایی شده است، بلکه وارد جزیره شناخت از مکان مقدس،

در ذهن خود نیز می‌شود. شناختی که به او می‌گوید در تنفس و زندگی در فضای قدسی، باید از قوانین و احکام دینی به صورت تام و غلظت بیشتری باید پیروی کرد. البته میزان این غلظت به تناسب شناخت ذهنی افراد، در مرحله فعل و عمل عینی، متفاوت خواهد بود. فعل و عمل عینی که به صورت مصداقی برای زنان زائر در میزان پذیرش پوشش و حجاب بیشتر و نداشتن آرایش در زیارتگاه نمایان می‌شود. از سویی دیگر، تصور بر این است که در این فضا، هر چقدر از تجملات و پوشش‌هایی که بیشتر جذابیت‌های اندامی بدن را به نمایش می‌گذارد، فاصله گرفته شود، تمرکز و توجه به امر قدسی بیشتر خواهد شد. پس برای رسیدن به تجربه حیات دینی عمیق‌تر در خود و بقیه زائران، پوشیدگی بیشتر بدن، امری مطلوب و لازم است.

آداب بدنی زنان زائر در مراحل مختلف زیارت

همان‌گونه که گذشت الگوی رفتار بدنی زن زائر را باور به حی و به تبع صاحب شعور و آگاهی بودن مزور در فضای قدسی زیارتگاه شکل می‌دهد. با این باور و اعتقاد، اغلب زنان زائر در هنگام عبور از درب ورودی و یا با دیدن گنبد زیارتگاه و یا با نزدیک شدن به ضریح، دست به سینه گذاشته، بدن خود را به حالت تعظیم خم کرده و در همین حالت، عبارت (السلام علیک) را بیان می‌کنند. عیناً همین اعمال و به همراه سلامی دوباره، در هنگام خروج از درب‌های زیارتگاه نیز توسط زائر انجام می‌شود. این نوع حرکات و ذکر سلام اول و سلام دومی که معنای خداحافظی در زبان دینی عربی را با خود همراه دارد، خبر از حضور در ساحت فردی قدسی، با عظمت، صاحب آگاهی و درحال مشاهده در زیارتگاه را می‌دهد. لذا تشریف و خروج از ساحت ایشان هم باید با آداب خاصی همراه باشد. همچنین زنان زائر غالباً، از لحظه ورود به صحن‌ها و حرکت به سمت ضریح، شروع به دست کشیدن و بوسیدن در و دیوار می‌کنند. در ادامه، با نزدیک شدن به ضریح، اغلب حالی حزین و فروتنانه، قدم‌هایی آهسته، دست به سینه قرار داده شده، بدن انحناء گرفته و سر به داخل و یا چپ و راست خم شده در آداب بدنی ایشان دیده می‌شود. در تمامی این مراحل، زائران اذکاری همچون صلوات و یا سوره حمد و توحید به عنوان فاتحه‌ایی برای مزور و... را بر زبان زمزمه می‌کنند. برخی نیز در همین حال و با نزدیک شدن و دست گرفتن شبکه‌های ضریح و بوسیدن آن، اشک از دیدگان‌شان

جاری می‌شود. مجموعه این آداب، خشوع و تواضع زائر در مقابل مزور را حکایت می‌کند. همچنین نوعی از هیجان و تلاطم روحی ناشی از مواجهه با شخصیتی با ابهت و متعالی که در چهره و بدن برخی زنان زائر شکل می‌گیرد، مکمل این خشوع و تواضع می‌شود. تلاش برای گرفتن شبکه‌های ضریح نیز چه در مواقع ازدحام و شلوغی و حتی زمانی که به علت شیوع بیماری هشدار به دست نزدن به آن داده شده، در اعمال برخی از زنان دیده می‌شود. گویا با گرفتن شبکه‌های ضریح، درک و تشریف به محضر مزور به صورت کاملتر و بهتری شکل صورت می‌گیرد. در هنگام عرض حاجات، غالباً زنان دستان خود را به سمت بالا و به سوی ضریح بلند کرده و گاهی چشمان خود را بسته و در همان حال به بیان خواسته‌های خود می‌پردازند. منطق این نوع رفتار و کنش‌ها را در تمرکز و توجهی مضاعف که ملازمه حضور و عرض حاجات از جهان استعلایی و مقدس ایجاد شده در زیارتگاه است، می‌توان فهم و ادراک کرد.



زن زائری که به دلیل شرایط شیوع بیماری کرونا، امکان گرفتن شبکه‌های ضریح را نداشته و با فاصله و دستان بلند شده به سوی آسمان، در حال گفت و گو با خداوند و مزور است. (تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

سیستم بیولوژیک بدن زنان و تجربه حیات قدسی زیارت

جسم زنان، تمایزات قابل توجهی در بیولوژیک، فرم و ساختار اندامی، نسبت به مردان دارد. این تمایزات عمدتاً در چارچوب کلی قابلیت فرزندآوری در زنان مشاهده می‌شود. یکی از این ویژگی‌ها، قرار گرفتن زنان و دختران بالغ شده جسمی در یکی از دو حالت دوره عادت ماهانه که دوره خونریزی از رحم زنان در آن قرار می‌گیرد و غیر ایام عادت ماهانه که اصطلاحاً به آن دوران پاک (کنایه از پاک و قطع شدن خونریزی رحم) گفته می‌شود، است. به خون خارج شده از رحم زن در ایام عادت ماهانه، حیض گفته می‌شود و به زنان در این ایام حائض. در ادیان مختلف و مخصوصاً در اسلام، احکام خاصی برای زن حائض، وجود دارد. به عنوان مثال، به جای آوردن عبادات مشروط به طهارت همچون نماز، روزه، طواف و اعتکاف بر زنان در ایام حیض حرام است. حاضر شدن در مساجد و نزدیک ضریح معصومان (ع) و پیشوایان دین، در این ایام برای زنان جایز نیست. به طور کلی رفتن به بارگاه امامزادگان اشکالی ندارد. هر چند برخی از مراجع تقلید دینی، وارد نشدن به محوطه اصلی که ضریح در آن قرار دارد را بهتر دانسته‌اند. مجموعه این احکام دینی باعث می‌شود که برخی زنان و دختران، از زیارتگاه آمدن در این ایام خودداری کرده و یا اگر زائر زیارتگاه می‌شوند، شیوه‌های متفاوتی از آداب زیارت را برگزیده و در پی انجام آن باشند. زنان زائر در این ایام غالباً به صحن داخلی ضریح نزدیک نمی‌شوند و در حیاط و یا گوشه‌ای از رواق‌های زیارتگاه می‌مانند. نماز نمی‌خوانند و کمتر هم به قرائت قرآن و ادعیه از روی کتاب می‌پردازند. بیشتر زمان این زائران در زیارتگاه، به نشستن در گوشه‌ایی و ذکر به زیر لب زمزمه کردن می‌گذرد. این حالت برای برخی زنان زائر، امری غیرمطلوب در تجربه زیسته قدسی از زیارت تلقی می‌شود و برای برخی از آنان تفاوتی ندارد.

از نجمه، ۳۲ ساله، متأهل و کارشناسی ارشد زبان انگلیسی پرسیدم که در ایام عادت ماهانه خود، تغییر حالی در مواجهه با زیارت دارد یا خیر؟ اینگونه پاسخ داد: (راستش، بله. من سعی میکنم، تو روزهای پر بودم نیام زیارتگاه. ولی به وقتی مثل الان که به دفعه به خاطر مادرم مجبور شدم پیام حس خوبی ندارم. اومدم نشستم به گوشه و برای خودم ذکر می‌گم. ولی بیشتر دوست داشتم الان میتونستم برم تا نزدیک های ضریح و نماز بخونم...)

در این راستا می‌توان در یک تقسیم‌بندی، برخی دینداران را در گروه افرادی که تجربه دین - داری خود را در اعمال و به جای آوردن مناسک جستجو کرده و عمیقاً به انجام دائمی آنها خو گرفته‌اند، قرار داد. افرادی که انجام مناسک دینی به مثابه جزئی از زندگی آنها درآمده است. در این افراد، حس شورانگیز و عمیق معنوی و قدسی در مسیر انجام عبادات و افعال دینی، ایجاد می‌شود. با نبود این مناسک، حضور در زیارتگاه نیز تامین‌کننده مناسب این تجربه قدسی نخواهد بود. لذا از اینکه در ایام عادت ماهانه از برخی مناسک دینی منع می‌شوند، دچار نوعی آشفتگی شده که احساس فاصله گرفتن از ساحت الاهی و معنوی را به دنبال دارد. از سویی دیگر در اسلام و مذهب تشیع، وضو و غسل به عنوان دو عمل از مناسک دینی طهارت دهنده است. اعمالی که برای انجام برخی آیین‌های مذهبی، باید حتماً آنها را به جای آورد و برای برخی دیگر، تاکید بر بهتر بودن در انجام آنها شده است. مواقعی که به جای آوردن این آیین‌های طهارت دهنده واجب می‌شوند، به نوعی برای فرد تداعی کننده این مطلب است که تا قبل از انجام آنها در وضعیت ناپاکی قرار دارد. چنانچه وقتی زنی زائر به دلیل بودن در ایام حیض خود، برای زیارت به نزدیک ضریح نمی‌آید، غالباً از تعبیر (پاک نیستم) استفاده می‌کند. تعبیر پاک نبودن، الزامات معنایی دیگری را به دنبال دارد. الزاماتی چون بیرون افتادن از جهان پاک و ملکوتی در این ایام و قرار گرفتن در فضایی غیرپاک و آلوده. این الزامات و تلقی‌ها، باعث ادراکاتی خاص در زنان می‌شود. ادراکاتی که خود را در داشتن تجربه‌ای ناخوشایند از اذن نداشتن در انجام برخی مناسک عبادی نشان می‌دهد. اینگونه می‌شود که در این حالت، برخی از بودن در فضای قدسی نیز حذر می‌کنند. چنانچه تصور می‌شود، با وجود بودن در حالتی غیرطاهر، نمی‌توان دریافت مناسبی از این فضای کاملاً مطهر داشت، لذا با وجود حضور در مکان مقدس، تشریف کامل به جهان غیر صورت نمی‌گیرد.

۱- زمینه‌مندی و دلایل رجوع زنان به زیارتگاه

انگیزه و زمینه‌مندی رجوع و آمدن زنان زائر به زیارتگاه را می‌توان از دو منظر کلی، تقسیم‌بندی و مورد بررسی قرار داد:

۱-۱- کنش زیارت به عنوان امری مستقل

یکی بر مبنای چگونگی رجوع به زیارتگاه است که می‌شود آن را در انگیزه‌های فردی و یا جمعی قرار داد و از منظری دیگر، دلالت‌هایی که باعث ایجاد جذب و کشش زنان به سمت زیارتگاه می‌شود. با این توضیح که برخی از زنان به زیارتگاه رجوع می‌کنند، صرفاً به دلیل انجام زیارت به عنوان عمل به یک دستور دینی و کسب ثواب در پی آن. در واقع، در اینجا کنش زیارت یک زمینه خود بنیاد و مستقل داشته و دال اصلی و تام رجوع زن زائر به زیارتگاه را تشکیل می‌دهد.

۱-۲- کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته

در کنار آن، گروهی از ایشان هستند که آمدنشان به زیارتگاه نه به صرف زیارت است. بلکه، امر زیارت به عنوان کنشی فرعی در کنار رسیدن به اهداف دیگر صورت می‌پذیرد. این اهداف در گروه‌های متعددی می‌تواند قرار داشته باشد. در ادامه به مواردی از این انگیزه‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲-۱- کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رسیدن به اهداف اقتصادی

با توجه به اینکه پیرامون زیارتگاه عبدالعظیم(ع)، دارای بازارهای متعدد و اجناس گوناگونی است، یکی از دلالت‌های رجوع زنان به این زیارتگاه، خرید مایحتاج مورد نیاز است. در این صورت برخی زنان، در کنار خرید و بازدید از اجناس بازار، در زیارتگاه نیز حاضر شده و عمل زیارت را به جای می‌آورند.

در حیاط بودم که اکرم، حدود ۳۰ ساله با چند نایلون از اجناس مختلف از درب حیاط وارد شد و از همان جا رو به حرم ایستاد، دست به سینه گذاشت و زیر لب چیزی گفت و برگشت. وقتی در حین بازگشت، از او دلیل حضور در زیارتگاه را پرسیدم، جواب داد: برای خرید اومده بودم، گفتم یه سرم اینجا بزنم...

۱-۲-۲- کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رسیدن به اهداف علمی/پژوهشی

زیارتگاه حضرت عبدالعظیم(ع)، اماکن علمی و پژوهشی عمده‌ای برای اقشار مختلف جامعه را داراست. دانشگاه علوم و حدیث و حوزه علمیه که در جوار حرم هستند. تالار شیخ صدوق که در

کنار دانشگاه علوم و حدیث قرار دارد و همایش‌های علمی مختلفی در آن برگزار می‌شود. همچنین وجود مجموعه خانه علم، کتابخانه‌ای مجهز (بویژه در حوزه علوم دینی، کلامی، تاریخی...) و موزه زیاتگاه که عامه مردم می‌توانند از آن بازدید کنند، انگیزه علمی-پژوهشی برای آمدن به این زیارتگاه را پررنگ‌تر کرده است.





(ضاویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹ش)

۳-۲-۱- کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار گذراندن اوقات فراغت و تفریح

از اهداف دیگر در رجوع افراد به زیارتگاه، انتخاب محلی برای گذراندن اوقات فراغت است. جالب آنکه، گویا این انتخاب از گذشته‌های دور نیز مرسوم و توسط برخی زائران صورت می‌گرفته است. چنانچه بنا بر شهادی که در باب زیارت در دائرةالمعارف اسلام چاپ هلند آمده، حسن بصری (م ۱۱۰ق، ۷۲۸م)، در متنی که در رابطه با آداب و منش صحیح زیارت قبور است، به سرزنش افرادی می‌پردازد که هدف اصلی زیارت را به فراموشی سپرده و خویشتن را به رفتارهای ناپسندی، مانند اکل و شرب مشغول کرده‌اند (الترکمانی، ۱۹۸۶ در اس. ریس، ۱۳۹۶: ۱۲۴). به هر تقدیر، امروزه در محافل علمی از زیارت به عنوان گردشگری مذهبی یاد می‌شود که در آن زیارتگاه در کنار زیارت، به عنوان مقصدی برای گذران اوقات تفریحی در کنار خانواده و دوستان محسوب می‌شود. گعده‌های دوستانه و خانوادگی زنانه و همراه با فرزندان، در کنار وسایل و ابزار خوردنی و نوشیدنی، مخصوصاً در حیاطها و اطراف زیارتگاه، به خوبی از وجود اینگونه اهداف در برخی زائران در کنار انجام زیارت، خبر می‌دهد.

۴-۲-۱- کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رجوع برای کارهای پیش بینی

نشده

گاهی اوقات، رجوع زنان به زیارتگاه با برنامه قبلی برای انجام کاری در کنار زیارت صورت نمی‌پذیرد. بلکه وقوع رویدادهایی پیش بینی نشده، سبب رجوع و آمدن ایشان به زیارتگاه است. رویدادهایی که ممکن است در حیطه هر یک از مواردی که قبلا بیان شد و یا دیگر موضوعات قرار بگیرد.

۲- انگیزه و نیت زنان زائر از آمدن به زیارتگاه

هر عملی که از انسان سر می‌زند، همراه با انگیزه و نیت صورت می‌گیرد. به‌جای آوردن آیین زیارت توسط افراد نیز از این امر مستثنی نیست. در این میان زنان زائر، دارای مقاصد و انگیزه‌های متفاوت و متعددی برای انجام امر زیارت هستند. غالباً، این نیت و خواسته‌ها، به صورت چند لایه و درهم تنید هستند و نمی‌توان مرز و تفکیک مشخصی برای آنها در نظر گرفت. با این توضیح که تقریباً تمامی انسانها در هر رتبه، مقام، ثروت، جایگاه و فشری که قرار داشته باشند، لیست بلند بالایی از نیازها و حوائج مادی و معنوی دارند که احتمال رسیدن به آن فقط با تلاش عادی و انسانی خودشان بسیار ناچیز است. لذا برای رسیدن به حوائج و خواسته‌ها، در جستجوی دست قدرتی خارج از مناسبات این دنیایی هستند. دست قدرتی که بر همه متغیرهای پیش رو برخلاف کنشگران انسانی احاطه داشته باشد. همانطور که گذشت زیارتگاه، جهان دیگر با مختصات و ویژگی‌های ماورایی برای فرد ترسیم می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، داشتن نظام علی و معلولی فراتر از نظامات مادی این دنیایی است. البته زائر در راه رسیدن به حوائج، علاوه بر رفتن به زیارتگاه و در مدار جریانات جهان قدسی قرار گرفتن، از استراتژی‌هایی در ارتباط برقرار کردن ملموس‌تر با واسطه مقدس و جهان معنوی زیارتگاه نیز بهره می‌برد. عمده این استراتژی‌ها دعا، نذر و توسل کردن با اشکال گوناگون به افراد مقدس است.

۲-۱- حوائج مادی

انسان در دنیایی زندگی می‌کند که به وضوح، خود را محصور در محدودیتها می‌یابد. و برای رسیدن به خواست‌های مادی و دنیایی خود، انواع موانع را می‌بیند. حوائج دنیایی اغلب زنان زائر را می‌توان

در دو گروه کلی تقسیم‌بندی کرد. حوائجی که مستقیماً به امور مادی و کمبودهای عینی برای رسیدن به یک زندگی مطلوب دنیایی باز می‌گردند و درخواست‌هایی که در حیطه مسائل و گرفتاری‌های فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

زهرآ، ۴۵ ساله، لیسانس و دارای دو فرزند از انگیزه و خواسته‌اش برای آمدن به زیارتگاه، اینگونه می‌گوید: من که میام اینجا از گرفتاری‌های خودم و بچه‌هام و دیگران می‌گم و از شون می‌خام که مشکل کار و ازدواج بچه‌هامو حل کنند. ولی مشکلات دیگرانم می‌گم. مثلاً الان همسایمون که مستاجر، حسابی کارش گره خورده و پول نداره که کرایه خونه رو بده. برای اون اول از همه دعا کردم...

۲-۲- حوائج معنوی

انگیزه و نیت زائران در عمل زیارت، محدود به حوائج و خواسته‌های مادی و دنیایی نمی‌شود. درخواست‌های معنوی که در مدار تمایلات افراد به استعلایی شدن و تعالی روح، دریافت ثواب و پاداش الهی، واسطه شدن افراد مقدس و ملکوتی برای بخشش گناهان، شفاعت ایشان در آخرت، رسیدن به قرب الهی و... قرار دارند نیز از درخواست‌های زائران در زیارتگاه هستند.

زینب، ۳۴ ساله، متأهل و دارای یک فرزند دختر را دیدم که بر پله‌های مقابل ضریح نشسته و به پهنای صورت اشک می‌ریزد و زیر لب چیزی زمزمه می‌کند. نزدیک شدم و بعد از باز کردن باب گفت وگو، پرسیدم، چرا اشک می‌ریزد؟ با صدایی بغض‌آلود و اشک‌هایی که بر صورتش جاری می‌شد، جواب داد: من چند سالیه که از شهرستان اومدم اینجا. شهر خودمونم بودم، زیاد زیارتگاه می‌رفتم. حلالم که اومدم اینجا، سعی میکنم زیاد پیام اینجا. من فقط خودشونو می‌خام. می‌خام از معرفتشون و از حالشون به منم بدن. می‌خام خدا رو بهتر بفهمم. می‌خام یه کم شبیه اینها بشم...

در واقع برای رسیدن به امور روحانی و معنوی، زیارتگاه با داشتن امر قدسی اصیل (بدن فردی قدسی)، بهترین مکان می‌باشد. جایی که انسان با تصور فردی همانند آرمان‌ها و ایده‌آل‌هایش، نیازهای معنوی را بهتر ترسیم کرده و توأمان این نیازها را از الگوی استعلایی مورد زیارت درخواست

می‌کند. یکی دیگر از خواصی که برای جهان قدسی بر ساخت شده در فضای زیارتگاه در مذهب شیعه می‌توان بیان داشت، پاسخگویی به پرسشهای بنیادین بشر است. پاسخگویی که از الزامات برآمده از هندسه معرفتی این جهان قدسی بوده و در معنادگی به زندگی زائر اثر بسزایی دارد. تحلیلی از فلسفه خلقت و دادن تصویری ضمنی از غایت زندگی و جهان پس از مرگ نمونه‌ای از این پاسخ‌گویی و تبیین‌ها هستند. غایت و هدفی از زندگی که خود را در تلاش فرد برای ساختن جهان آخرتی آبادتر، نمایان می‌سازد. آبادی که با مدد از افراد مقدس برای رسیدن به تعالی روحی بالاتر در این دنیا و یاری ایشان در جهان پس از مرگ، صورت می‌گیرد. بر همین اساس، شفاعت و واسطه شدن افراد مقدس و ملکوتی برای بخشش گناهان و دریافت ثواب از زیارت ایشان، همراه با ارتقای درجات معنوی، چه در عالم زمینی و چه جهان پس از مرگ و در محضر الهی، یکی از حوائج همیشگی مومنان از زیارت است.

درحین گپ وگفت با لیل، ۴۴ساله، فوق‌دیپلم و صاحب سه فرزند، می‌پرسم مهمترین خواسته‌اش از حضرت عبدالعظیم (ع) چیست؟ در جواب می‌گوید: (از همه مهمترش، شفاعت کردنشون تو روز قیامت. دستمون اونجا که حسابی گرفتاریم و تنها بگیرن. ثواب بردنم هستش دیگه. اینجوری شاید یه کم بار گناهمون کمتر بشه...).

اگر با دقت به صدای افراد در زیارتگاه گوش بسپاریم، درخواستهای مادی و معنوی متعدد را در زمزمه و گفت و گوهایی که ایشان با مزور و یا خدا دارند، می‌توانیم بشنویم. کسانی که گوشه‌ای از ضریح را گرفته و با آه و سوز و اشک، گرفتاری‌های خود را به زبان آورده و التماس حل شدن آنها را دارند. وقتی به داخل ضریح دقت کنیم، بعضا در لابه لای پولهای ریخته شده در صندوق ضریح، برگه‌هایی غیر از اسکناس‌های پول را هم می‌توان مشاهده کرد. برگه‌هایی که احتمالا، عرض حاجات گوناگون هستند که صاحبش بر این باور است که با نوشتن، به داخل ضریح انداختن و نزدیک مزور قرار گرفتن، بهتر مورد توجه مزور مقدس قرار می‌گیرد تا واسطه‌ای شود برای برآورده شدن آنها. در قدیم گره‌زدن پارچه‌ها و نخ‌هایی به شبکه‌های مشبک ضریح، نشانه‌ای از توسل به فرد زیارت شونده

بود. در حال حاضر، این گره زدن‌ها کمتر شده و اگر هم انجام شود، پس از مدتی توسط خادمان برداشته می‌شود.

۳- پیامد و دست‌آوردهای زیارت برای زنان زائر

همانگونه که در پس هر کنش و عملی که از انسان سر می‌زند، نیت و انگیزه‌ای نهفته است، بعد و درحین انجام آن نیز پیامد و ماحصلی برای ایشان به ارمغان خواهد آورد. در ادامه به برخی از این پیامد و دست‌آوردها اشاره شده است.

۱-۳- تجربه ژرف و عمیق از امر قدسی

این زیارتگاهها محل زیارت، فرد یا شی یا اثر و یادبودی از امر قدسی هستند که این امر قدسی، به عنوان واسطه ارتباط خداوند و انسانها شناخته می‌شود. لذا از زمانی که زنان زائر در این فضا قرار می‌گیرند، خود را در مدار عنایات خاص الهی و فوق‌العاده یافته و حس می‌کند. همچنین بارگاهها به واسطه هم‌افزایی که از اجتماع مومنانی با باورها و اعتقاداتی هم‌جهت در امر زیارت ایجاد شده است، معنایی را ساخته و بازتولید می‌کند که ماحصل آن در بسط و گسترش ساحت روحانی و معنوی دین اثری عمیق دارد. لذا حضور در این فضا، تجربه‌ای ژرف از شور و شغف دینی را با خود به همراه دارد.

شیماء، ۱۶ ساله، احساسش از بودن در این فضا را اینگونه توصیف می‌کند: (اینجا اون حال معنویت برای آدم بیشتره. آدم انگار بیشتر خدا رو می‌فهمه. وقتی این همه جمعیت برای زیارت به آدمی که مقدس و الهی هستش، آدم پاک و خوبی هستش، میان، اینجا یه حال و هوای دیگه ای می‌گیره...) از خانمی حدود ۴۰ ساله، وقتی پرسیدم، چه چیزی در اینجا بیشتر برای شما جذابیت دارد؟ پاسخ داد: (اینجا خدا رو بیشتر حس می‌کنی. همه چیزش حال روحانی داره. انگار نفسم میکشی، یاد خدا میفتی...)

زیارتگاه، که محل و جایگاه، ایجاد جهان قدسی برای زنان زائر است، به موازات این بر ساخت، لایه‌ای غلیظ و متراکم از معنویات را در فضا انتشار می‌دهد. این ذرات با هر بار تنفس زائران، نه تنها کاسته نمی‌شوند که گویا با انرژی مضاعفتری، بازدم می‌شوند. در این میان، زیارت برای زائران نوعی تنفس در هوای قدسی و بودن در فضا و مکانی غیر از محیط عادی زندگی و جایی از جهان دیگر است. برگر، اساس دین و به تبع مناسک آن را، شروعی از قدسی شدن می‌داند که به تبع آن مکانها، فصول و چیزهایی نیز قدسی می‌شوند. این قدسی شدن به دنبال خود، ویژگی فوق-العادی را نیز به دنبال دارد. به این ترتیب، انسان با کیهان مقدس به مثابه واقعیتی بسیار قدرتمند مواجه می‌شود که در عین حال که از انسان فراتر رفته، او را نیز دربرگرفته است (برگر، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۳). این فوق‌العادی به صورت محسوس و عمیق در فضای زیارتگاه متصور می‌شود.

۲-۳- زیارت و معنادهی و نظم‌بخشی به دنیای آشفته زنان

افراد در ساحت‌های مختلف شناخت و درک امورات رخ داده در جریانات و فراز و نشیب‌های زندگی، نیازمند توضیح و تبیین‌هایی هستند تا به تناسب آنها به هنجاردهی دنیای آشفته پیرامون خود بپردازند. آیین زیارت یکی از مناسک مذهبی است که به صورت عمده‌ای این معنادهی و نظم‌بخشی در بحران‌های زندگی را برای زائران خود یادآور می‌شود. بحران‌های زندگی که در مراتب مختلفی انسانها را با چالش مواجه می‌کنند. لذا معنادهی و نظم‌بخشی که با زیارت در زنان حاصل می‌شود را می‌توان در سطوح کلان و خرد، برای ایشان تقسیم بندی کرد.

در سطح کلان، دنیای امروز به دلایلی از جمله پیچیده‌تر شدن مناسبات زندگی در عرصه‌های مختلف، آشفتگی و چالش‌های عمده‌ای را با خود همراه کرده است. زنان نیز در زندگی با موانع و چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند که به مراتب با پیچیدگی‌های بیشتری نسبت به گذشته همراه است. مهمترین این چالش‌ها، چندین صدایی شدن منابع اطلاع‌رسانی در عصر جدید است که هر یک به طریقی داعیه حق بودن را دارند و تلاش می‌کنند منطق خود را در هنجاربخشی و معنادهی به مناسبات زندگی موجه نشان دهند. لذا افراد جامعه که با انبوهی از نحله‌های فکری با درجاتی از اختلاف مواجه می‌شوند، باید گزینشگر گزاره مطلوبشان باشند. زائر زیارتگاه، با انتخاب زیارت، تا حد زیادی و

لااقل در وجوهی از زندگی، دین را برای معنادهی و هنجاریبخشی به جریانات زندگی برگزیده و پاسخ سوالاتش را از مخزن معتقدات مذهب جست وجو می کند.

نجمه، ۳۲ ساله، متاهل و کارشناس ارشد زبان انگلیسی اینگونه می گوید: (خب، من با اینجا اومدن، دستورات دینم رو انجام میدم و اینکه بالاخره این زندگی برای من قراره چه معنایی داشته باشه و اینکه خب، قراره من زندگی رو چه جور بفهمم...).

در ساحت خرد، اتفاقات رخ داده در هر مرحله از زندگی می تواند، فشار و نگرانی به فرد وارد کند که عاملی برای آشفتگی وی شود. این فشارها برای دختران و زنان می تواند در سنین مختلف متفاوت باشد. هر یک از موارد درگیر شدن به رابطه عاطفی و عشقی با جنس مخالف و چالشهای آن، انتخاب رشته تحصیلی، نداشتن یک ارتباط مناسب با پدر و مادر و خانواده، انتخاب شغل، انتخاب همسر، اختلال در روابط زناشویی، طلاق، فرزنددار شدن، بروز مشکلات برای فرزندان، از دست دادن عزیزان، ... می تواند تکانه و مصیبتی در زندگی زنی ایجاد کند. در اینجا لازم است، علاوه بر دنبال کردن راه حل های مادی برای رفع این گرفتاری ها، راه حلی برای رهایی از آشفتگی روحی و روانی ایجاد شده در پی این رویدادها یافت. زن زائر، از زیارت برای رهایی از این آشفتگی ها کمک می گیرد.

خانم حدود ۵۰ ساله، دیپلم و مطلقه: (بین من بعد طلاقم، اونقدر به هم ریخته بودم که زندگی برام معنا نداشت. هی میگفتم، آخه این چه زندگیه من دارم؟ یعنی چی؟ اونقدر به هم ریخته بودم که نگو... یا میشدم میومدم اینجا. میشستم. بازم با اینجا درد دل میکردم. میگفتم، خب، خدا هستش دیگه. اینام هستن دیگه. هیچی ام الکی نمیشه که. خدا کمک می کنه...).

برگر معتقد است، بیش از آنکه مفاهیم و باورها را به زبان بیان کرد و توصیف نمود، باید آن را در لایه های زیرین و درونی ضمیر فرد جستجو کرد. نهادینه شدن نظام معنایی کیهانی برای افراد به صورت تدریجی و با دریافت هایی که در طول زندگی دارند و از کودکی آغاز می شود. زندگی انسان ذاتا و به طور اجتناب ناپذیر، فعالیتی در راستای رویدادهای رخ داده است و وجود بسیاری از نابسامانی ها در

دنیایی که زندگی می‌کنیم، باعث می‌شود، انسانها به دنبال نظم‌دهی و از حال بی‌هنجار خارج کردن تجربه زندگی خود باشند. البته این به آن معنا نیست که انسان بدون دین نمی‌تواند زندگی کند. در عصر مدرن، برخی پدیده‌ها، همچون علم داعیه تفسیر نظامات این دنیا را به همراه دارند (برگر، ۱۳۹۷: ۶۴). ولی تاکنون، در مواردی خود به ناتوان بودنشان در این امر اذعان داشته‌اند. تجربه تاریخی بشر نشان داده که هیچ سیستم جایگزینی، به گستردگی دین، نمی‌تواند پاسخ‌گوی سوالها و نیازهای همیشگی بشر باشد. سوالهایی چون از کجا آمده‌ام؟ در این دنیا چه می‌کنم؟ به کجا می‌روم؟ ... و

۳-۳- پاک شدن از آلودگی و گناهان به واسطه زیارت

در باور هر فردی، مجموعه‌ای از هنجارها و ارزشهای اخلاقی شکل گرفته است که با نقض هر یک از آنها، خلل و آسیبی به نظام معنایی آنها وارد می‌آید. لذا فرد را به تکاپوی ترمیم و جبران مافات می‌اندازد.

معصومه، حدود ۵۰ ساله، دیلم می‌گوید: (من بیشتر اینجا که هستم، ذکر استغفار رو می‌گم. از خدا می‌خام به حق حضرت عبدالعظیم، گناهامو پاک کنه...).

پاک شدن از گناهان در واقع تلاش برای پیراستن خود از زوائد نخعی شده از مرزهای اخلاقی فرد است و توبه کردن، ترمیم و بازگشت از مسیر منحرف شده از دیواره‌های دژ جهان اخلاقی وی می‌باشد. در این میان زیارتگاه، مقری برای انجام تنظیم این رویه‌ها و رسیدن به وضع مطلوب است.

۳-۴- متبرک شدن به واسطه زیارت

زیارت به معنای دیدار، در واقع نوعی ملاقات با امر قدسی است که بهره‌مند از نیرو و برکت الهی است. ملاقات و دیداری که در آن، فرد به واسطه مواجهه با امر قدسی، خود نیز بهره‌مند از آن برکت می‌شود. در واقع با تبرک جستن، انسان در پی آراستن و اضافه کردن خصلتی در خود است. به عبارتی دیگر، می‌توان زیارت را، آیینی برای متبرک شدن دانست.

از زهرا، حدود سی ساله، لیسانس و متاهل، که از هنگام ورود به داخل صحن، دستش را به در و دیوار کشیده و سپس با گفتن صلوات به صورت خود می کشد و بعد آن و در هنگام زیارت، دستش را به شبکه های ضریح گرفته و همراه با صلوات و گفتن اذکاری، دستش را به سر و صورت برمی گرداند، پرسیدم این حرکات را به چه دلیل انجام می دهد؟ پاسخ می دهد: (خب، میخاستم ازش تبرک بشم. تو زیارتگاه، همه جاش برکت داره. در و دیوار و مخصوصا خود ضریح. با دست کشیدن رو در و دیوار اینجا و بعدش کشیدن روی سر و صورتتم، خودم رو متبرک میکنم...)

زنی حدود سی ساله را دیدم که بعد از برگشتن از زیارت ضریح (که در آن روز، شلوغ و پر ازدحام هم بود) با عجله و هیجان دستش را بر سر افراد خانواده اش می کشید و می گفت: (بیاید، بیاید، با این دستم، بالاخره ضریح رو تونستم بگیرم. دستم تبرکی شدش. شمام تبرک بشید...).

انسان با مجموعه فعالیت های خود و در فرآیند بیرونی شدن، جامعه و جهان خود را می سازد و در طی انتقال فرآورده های ذهنی خود به نمادها و عناصر مادی، این جهان را عینی می کند (برگر، ۱۳۹۷: ۶۴). نکته قابل توجه آن است که این جهان عینی برآمده از فرآورده های ذهنی، برای انسان دارای خواص و ویژگی های منحصر به فردی است که می تواند آن را به صورت علنی درک و حس کند. بر همین مبنا، انسان غالبا برای فهم بهتر خود، سعی در ملموس کردن هر چه بیشتر امورات ذهنی خود دارد. لذا، تا جایی که امکانش باشد و بتواند، وجهی مادی به پدیده تماما معنوی خواهد داد. متبرک شدن در زیارتگاه، یعنی گوشه ای از خاصیت قدسی مزور را دریافت کردن. خاصیتی ماورایی که دیده شدنی نیست. پس باید با انتخاب راهکاری، این دریافت را پایین آورد و در سیستم جهان خودی جایش داد. در اینجا است که رفتارهای بدنی همچون بوسیدن، دست کشیدن بر در و دیوار و سپس به بدن مالیدن و گرفتن شبکه های ضریح زیارتگاه برای دریافت برکت، معنا پیدا می کند. تمامی اینها نشانه ای از تلاش زائر برای دست یابی به نیروی جهان نادیده قدسی است. قرار دادن اسکناسی متبرک شده (در قدیم، سکه نیز مرسوم بود)، در میان پولهای خود برای برکت دادن به آنها از عادات مرسوم برخی مومنان در فرهنگ شیعی است. این اسکناس ها یا در مناسبت های میلاد و اعیاد به دست افراد رسیده و یا با کشیدن آنها به ضریح در زیارتگاه ها متبرک می شود.

نزدیک ضریح، خانمی، حدود ۵۰ ساله، لیسانس مدیریت را دیدم که چند عدد اسکناس ده هزارتومنی را به ضریح می کشید. گوشی دستم بود و سریع عکسی از این عملش انداختم. از او راجع به چرایی این عمل پرسیدم؟ جواب داد: (من هر زیارتگاهی که میرم، چند تا از اسکناس هامو می کشم به ضریح تا برکت پیدا کنه. بعدش اونارو میزارم لای بقیه پولها و تو کیفم. اینجوری پولهام برکت پیدا می کنه و خیلی دیرترم تموم میشه...)



زن زائری که در حال کشیدن تعدادی از اسکناس هایش به ضریح است. (تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

این کنشها، تلاش برای درکی عمیقتر و ملموس از دریافت های جهان ماورایی است. در واقع سیم نامرئی وصال امر قدسی با هر چیزی که اعتباری برای مالکیت بر آن در زیارتگاه پیدا می کند، در این کنش ها هویدا می شود. ضریح، در، دیوار، گیاهان، آب و ... که در فضای زیارتگاه هستند، از جمله این مالکیت ها هستند که به واسطه صاحبشان که همان مزور قدسی است، دارای قدرت برکت دهندگی شده اند.

۵-۳- برساخت اعتقادات و باورها به کمک زیارت در زنان زائر

به عقیده برگر، جوامع سنتی اغلب یکپارچه بودند و انسان سنتی در جهانی زندگی می‌کرد که عملاً یکدست بود. در عصر حاضر، انسان در جریان رفع نیازهای خویش، بیش از پیش باید درگیر مناسبات تو در تو دنیایی شود. ویژگی جوامع شهری و مدرن، سربرآوردن بیش از پیش تکثر در دنیای پیش روی افراد است. این مناسبات متکثر که اغلب نیز با هم سازگار نیستند، زندگی امروزی را تا اندازه بسیار زیادی بخش بخش کرده است (برگر، ۱۳۹۴: ۷۳؛ نیزیگاما، ۱۳۹۸). نتیجه این مواجهات متکثر، مشغول شدن قسمت عمده‌ای از توجه و ذهن فرد است و به تبع آن فراموش کردن باورها و اعتقادات در پیچ و خم جریانات زندگی روزمره. در اینجاست که نمادها و مناسک دینی، در بازگرداندن توجهات و یادآور شدن دوباره و باز تولید این باورها و اعتقادات در افراد نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

سحر، ۳۱ ساله، با تحصیلات لیسانس که چادر را به سختی بر سر نگه داشته و موهای رنگ شده‌اش از روسری بیرون آمده و با هر بار باز و بسته شدن چادر، مانتوی تا بالای زانو و با آستینهای کوتاه و ساپورت کمی از مچ پا بالا آمده‌اش معلوم می‌شود، چند لحظه‌ای در صحن حرم کنارم قرار گرفت. همانجا از او دلیل آمدن به زیارتگاه را پرسیدم. در پاسخ گفت: دلتم تنگ شده بود. خیلی وقت بود نیومده بودم. دیگه داشت خیلی چیزایادم می‌رفت...

انجام و تکرار مناسک و همراه شدن با فرهنگ برخاسته از آن که مجموعه الگوهای رفتاری و کنش‌های جمعی به همراه نمادهای قدسی می‌باشد، برای انسان فراموش کار امری لازم و ضروری است. چرا که انسان‌ها فراموش می‌کنند و باید مکرراً و با مکانیزمی، امور را برای خود بازتولید و یادآوری کنند. انجام مناسک، تعاریف باورها و مشروعیت‌های ملازمان را برای شرکت‌کنندگان در این مناسک حاضر می‌سازند. آیین زیارت و نوع کنش‌های زیر مجموعه آن، نمونه بارزی از این یادآوری هستند. همچنین، مواجه شدن حسی و عاطفی با انواع المان‌های مذهبی در فضای زیارتگاه همچون دیدن کتاب‌های قرآن، دعا، مهر، تسبیح و آذین‌های مذهبی، شنیدن زمزمه‌های نیایش زائران و صوت مناجات، استشمام رایحه‌ای خاص از صحن و رواق‌ها و... در این یادآوری و برساخت نقش بسزایی دارند.

۶-۳- بر ساخت و تداوم امید در زنان زائر

نامیدی همواره در ادیان و به ویژه در اسلام نکوهیده و به عنوان بدترین و بالاترین گناه و هم‌ردیف کفر به عنوان گناهی نابخشودنی معرفی و از آن یاد شده است. یکی از بهترین مکان‌ها برای بر ساخت امید، زیارتگاه است. بذر امید از دل زیارت با مکانیزم تقویت و بازتولید جهانی دیگر و ماورایی، بارور و زاده می‌شود. حال این امید بر ساخت شده، می‌تواند در مرتبه دست به نقدش، تولید انرژی برای تحرک در اکنون زائر باشد و یا در وهله‌ای بالاتر، قدرت و شجاعت برای رفتن به سوی آینده ندیده و نوعاً ترسناک و مبهم.

در گفت‌وگویی که با آرزو، دختر ۱۴ ساله داشتم، پرسیدم که در چه زمانهایی بیشتر به زیارتگاه می‌آید؟ جواب داد: (اون موقع‌هایی که از چیزی خسته میشم، یا چیزی خیلی ناراحت و افسردم میکنه، بیشتر دوست دارم پیام اینجا تا انرژی و امید دوباره بگیرم و...)

علاوه بر شکل‌گیری جهانی برین که امید را دل خود به همراه دارد، جمعی بودن کنش زیارت، عاملی دیگر برای بر ساخت و تداوم امید در زنان می‌شود. در زیارتگاه جمعی از انسانها هستند که در صورت کلی، دارای اشتراک عقاید و انجام مناسک یکسان قابل توجهی هستند. فرد در طی مناسک زیارت از حیات فردگرایانه روزمره، به حیات جمعی و وجدان عمومی قدم می‌گذارد که بده بستان- های معرفتی و هویتی خود آگاه و ناخود آگاه را به دنبال خود دارد. یکی از این بده بستانها، تاییدات ضمنی و عینی بر یک باور است که در امتداد خود منجر به بر ساخت مستحکم‌تری از یک جهان قدسی دیگر و با ویژگی‌های خاص می‌شود.

نتیجه‌گیری

زیارت، مجموعه‌ای از آداب و مناسکی است که ابزاری مهم برای رسیدن به اهداف معنوی و استعلایی مذهب تشیع را فراهم می‌آورد. از همین رو در سپهر فرهنگ شیعی، همواره زیارت و زیارتگاه، مورد توجه ویژه قرار گرفته است (گروسی و طاووسی‌مسرور، ۱۴۰۳: ۱۱۷). در این میان برای زن زائر، در زیارتگاه، جهان قدسی و برین با نیرویی غیبی و فراتر از نظام علی و معلولی دنیای

زمینی شکل می‌گیرد. نیروی ماورایی جهان ساخته شده در زیارتگاه، تمایل زنان برای عرض نیاز و حاجت در این فضا را فزونی می‌بخشد. حاجات و خواسته‌هایی که درگستره نیازمندی‌های مادی و معنوی زنان که به تناسب مسائل و مناسبت‌های زنانه، محل ابتلا و گرفتاری‌های ایشان است، قرار می‌گیرد. این جهان قدسی به دنبال خود، پیامد و دست آوردهای روحی و معنوی چون آرامش بخشی، نظم دهی، یادآوری باورها و... را برای زنان به دنبال دارد. همچنین، از نقاط بارز متمایز کننده زیارت زنان با مردان، آداب متفاوت بدنی در وجوه مختلف مواجهه با امر زیارت به تناسب سیستم بیولوژیک بدنی و چگونگی پوشش در هنگام حضور در زیارتگاه است. بر همین مبنا، برخی زنان که احساس ناخوشایندی در منع شدن از انجام بعضی مناسک در زمان عادت ماهانه خود را تجربه می‌کنند، در این ایام، تمایلی برای حضور در زیارتگاه نیز ندارند. اگر هم بنا به دلیلی در زیارتگاه حاضر شوند، تجربه زیسته عمیق دینی و به تناسب زمانی که در حالت حیض خود نیستند، نخواهند داشت. غالباً این زنان در دسته افراد خو کرده به مناسک قرار می‌گیرند که علاقه‌مند هستند در مواقع حضور در زیارتگاه نیز، مشغول انجام مناسک دینی باشند. علاوه بر این، اکثر زنان، فضای قدسی زیارتگاه را به گونه‌ای بازساخت و فهم می‌کنند که در آن باید کمترین علائم جذابیت‌های جنسی افراد نمایان باشد. علائمی که خود را برای زنان در پوشیدگی کمتر بدن و آرایش صورت و مو نمایان می‌سازد و لذا پوشاندن بیشتر بدن، امری مطلوب در فضای زیارتگاه ادراک می‌شود. البته نباید از یاد برد که مولفه‌های اثرگذار در چگونگی شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های زنان زائر در یک زیارتگاه می‌تواند ابعاد متنوع دیگری (همچون ابعاد پیشینی و زمینه‌ساز، ابعاد هم‌زمانی با امر زیارت، ابعاد پسینی و بعد از انجام زیارت) برای فرد داشته باشد. لذا پژوهش‌های متعدد و متنوع‌تری پیرامون این مباحث، بستری در جهت روشن‌تر شدن لایه‌های متنوع (جامعه‌شناختی / انسان‌شناسی) چگونگی نقش‌آفرینی، حضور، ادراک، تجربه، فهم، رفتار، کنش، اعمال و در ادامه دست آوردها و پیامدهای زیارت، برای زنان زائر خواهد بود. همچنین نتایج این پژوهش‌ها، می‌تواند برای تصمیم‌گیران و متولیان امر زیارت در کشور، از سیاستگذاران تا دست‌اندرکاران اجرایی و اداره‌ی مستقیم یک زیارتگاه، جهت چگونگی مواجهه با آماده‌سازی بنا و فرم بیرونی، در کنار چگونگی فضا‌سازی و سامان دادن

رویدادهای درونی و محتوایی زیارتگاهها در ابعاد مختلف، به قصد ارتقاء کیفیت و غنی بخشی به تجربه زیسته‌ی زائران و خصوصا زنان زائر، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. اریکسن تامس هیلاند (۱۳۸۵)، **مردم شناسی چیست؟ (نسخه الکترونیک)**، ترجمه: ابراهیم چگینی، تهران: رهنما
۲. اس. ریس اسکات (۱۳۹۶)، **زیارت در دایره‌المعارف اسلام**، ترجمه: هادی ولی‌پور، مجله میقات حج، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، ص ۱۲۲-۱۴۰
۳. اکبری زهرا و فاضلی نعمت‌الله (۱۳۹۶)، **تغییرات معنا شناختی کنش زیارت از منظر انسان‌شناسی تفسیری (مطالعه موردی: زائران امام رضا (ع))**، دو فصلنامه علمی، پژوهش اسلام و علوم اجتماعی، سال ۹، شماره ۱۷، ص ۱۷-۴۰
۴. انگروزینو مایکل (۱۳۹۶)، **درآمدی بر مردم‌نگاری**، ترجمه: جباررحمانی و محمدرسولی، تهران: فرهنگ
۵. برگر پیتر (۱۳۹۷)، **سایبان مقدس**، ترجمه: ابوالفضل مرشدی، تهران: ثالث
۶. برگر پیتر و زایدرولد آنتوان (۱۳۹۳)، **اعتقاد بدون تعصب**، ترجمه: محمود جیبی، تهران: گمان
۷. برگر پیتر و دیگران (۱۳۹۴)، **ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی**، ترجمه: محمد ساوجی، تهران: نی
۸. جمشیدی‌ها غلامرضا و حمیدی نفیسه (۱۳۸۶)، **تجربه زنانه از جنگ**، مجله پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲، ص ۸۱-۱۰۸
۹. رحمتی رحمت‌اله (۱۳۹۳)، **پایان نامه کارشناسی ارشد: مطالعه مقایسه‌ای آیین زیارت در اسلام و مسیحیت**، استاد راهنما: سیدنادر محمدزاده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری، دانشکده علوم انسانی

۱۰. رضوی زاده ندا (۱۳۹۶)، *ادراک و تجربه‌ی زیسته‌ی زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده روی اربعین، آذر ۱۳۹۳)*، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۴، ص ۵۹۵-۶۳۱

۱۱. سلطانپور مانا و اصغری امیررضا (۱۳۹۵)، *پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی زیارت در ایران*، مجله مطالعات ایران‌شناسی، سال سوم، شماره چهارم، ص ۸۹-۱۰۸

۱۲. گرت استفانی (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه: کتایون بقایی، تهران: نی

۱۳. گروسی اکرم و طاووسی مسرور سعید (۱۴۰۳)، *بررسی اجمالی و مقدماتی جایگاه امر زیارت در فرهنگ شیعی از منظر جامعه/انسان شناسی (مطالعه موردی: زیارت زنان)*، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال سی، شماره ۱۳۰، ص ۱۱۵-۱۴۰

۱۴. مارچسیون جولیان‌ام (۱۳۹۲)، *مردم‌نگاری (طراحی، هدایت و ارائه تحقیق)*، ترجمه: سیدقاسم حسنی، تهران: جامعه‌شناسان

۱۵. مرتضوی‌امامی زواره سیدعلی و یوسفی بتول (۱۴۰۰)، *تاثیر شیوع ویروس کرونا و بسته شدن حرم رضوی بر نگرش اجتماعی مردم به زیارت (مورد مطالعه: نمازگزاران مساجد شهرستان زواره)*، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره اول پیاپی (۱۲۳)، ص ۱۳۵-۱۶۴

۱۶. معاون زهرا و موحد مجید و طبعی منصور (۱۳۹۶)، *درک گردشگران مذهبی زن از کنش زیارت در بقاع متبرکه شهر شیراز*، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۹۷-۱۱۷

۱۷. نجفی حافظ (۱۴۰۱)، *زیارت در ادیان توحیدی و نقش معنوی و تمدنی*، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، سال سوم، شماره ۴، ص ۶۷-۱۰۲

۱۸. نیزیگاما ایزاک (۱۳۹۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین پیتربوگرو*، ترجمه: علیرضا خدای، تهران: نقدفرهنگ

۱۹. هاروی دیوید و دیگران (۱۳۹۶)، *روش و نظریه در علوم اجتماعی*، ترجمه: آیدین ترکمه و دیگران، تهران:

تیسا

۲۰. هولمز ماری (۱۳۸۷)، *جنسیت در زندگی روزمره*، ترجمه: محمدمهدی لیبی، تهران: نقد افکار

نسخه پیش از انتشار